

انجمن اقتصاددانان ایران

جنگ تولید



دکتر ابراهیم رزاقی: اگر اهمیت نبود نابرابر تولید در بازار جهانی برای مسئولان و مردم تبیین شود و عزم ملی لازم برای حضور در این جنگ ایجاد گردد، امید به موفقیت خواهد بود، وگرنه یک مغلوب خام فروش خواهیم ماند.

بخش‌های کشاورزی و صنعت انجام شده تا امکان صادرات با قیمت‌های مناسب را فراهم کنیم.

رزاقی با پایین دانستن رقم تحقق یافته سرمایه‌گذاری در برنامه سوم، گفت: رقم ۱۸ درصدی سرمایه‌گذاری‌ها در برنامه سوم با وجود درآمدهای ارزی بالا، خیلی پایین است. به علاوه، در بحث سرمایه‌گذاری موضوع استهلاک سرمایه، مسأله مهمی است که کمتر به آن توجه می‌شود. این در حالی است که مهم‌تر از استهلاک سرمایه، استهلاک تکنولوژی است. بعضاً به دلیل طولانی شدن برخی طرح‌ها، آنقدر میزان استهلاک‌ها بالا می‌رود که اجرای طرح را بی‌معنی می‌سازد. اما اجرای چنین طرح‌هایی حتی با چندین برابر هزینه ادامه پیدا می‌کند که به تبع، تولیدات چنین طرح‌هایی به هیچ‌وجه قابلیت صادرات نخواهند داشت.

دکتر رزاقی در مورد رشد هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی، گفت: این رشد کاملاً نشانگر دیدگاه دولت در برنامه است. وقتی دولت را کوچک می‌کنیم و بخش خصوصی را بزرگ می‌کنیم، طبیعتاً مصرف بخش خصوصی نیز افزایش می‌یابد، اما بیشترین سود در بخش خصوصی در دلالتی و واسطه‌گری است، نه در تولید. بنابراین اگر بخش دولتی در بخش‌های صنعت و کشاورزی سرمایه‌گذاری نکند، بخش خصوصی به دلیل نداشتن انگیزه فعالیت در این بخش‌ها، به دنبال سرمایه‌گذاری در آنها نخواهد رفت. در مجموع به دلیل ناکارآمدی بخش خصوصی در تولید و صادرات، روز به روز اتکای اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی بیشتر شده و به تبع آن، واردات و مصرف کالاها خارجی نیز افزایش یافته است.

وی با بیان این که طبقه واسطه تجاری نسبت به قبل از انقلاب بیشتر از هر طبقه دیگری در اقتصاد کشور رشد داشته است، افزود: طبق آمار رسمی جمعیت واسطه‌گران تجاری از ۴۰۰ هزار نفر قبل از انقلاب به ۲/۵ میلیون نفر در حال حاضر رسیده است. البته این آمار غیر از فعالان در بخش‌های پنهان نظیر اقتصاد زیرزمینی و قاچاق می‌باشد که اگر این آمار هم به آن اضافه شود، تعداد آنها به مراتب افزایش خواهد یافت. این آمارها واقعیت تلخی را آشکار می‌کند مبنی بر این که، رشد مربوطه صرفاً در جهت افزایش مصرف تولیدات خارجی و واردات بوده، نه تولیدات داخلی. به علاوه، نتیجه شوم دیگر آن برای اقتصاد ایران، ایجاد فرهنگ مصرف کالاها خارجی و مهاجور ماندن تولیدات داخلی می‌باشد که بزرگ‌ترین ضربه را به پیکر اقتصاد ایران از طرف

اولین جلسه زمستانی انجمن اقتصاددانان ایران، روز پنج‌شنبه ۲۸ دی ماه سال جاری با حضور جمعی از استادان و کارشناسان عضو انجمن و سایر علاقه‌مندان حوزه اقتصاد، در تالار همایش‌های اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران برگزار شد. در این جلسه دکتر ابراهیم رزاقی، استاد دانشگاه تهران، با موضوع بررسی برنامه سوم توسعه و عملکرد آن به سخنرانی پرداخت. دکتر رزاقی در ابتدا با تبیین پیش‌بینی‌ها و عملکرد شاخص‌ها و اهداف کمی برنامه سوم، دستاوردها و میزان موفقیت این برنامه را مورد بررسی قرار داد. وی در بخش اول سخنان خود با اشاره به روند هزینه‌ها و درآمدهای عمومی دولت در برنامه سوم، گفت: افزایش اتکای بودجه به نفت، رشد واردات و افزایش مصرف بخش خصوصی، مهم‌ترین نتایجی است که از مقایسه عملکرد و پیش‌بینی اهداف برنامه سوم به دست می‌آید.

رزاقی در ادامه با اشاره به رشد فزاینده نقدینگی در برنامه سوم، گفت: طبق پیش‌بینی‌ها قرار بود میزان نقدینگی در سال ۸۳ به حدود ۴۵۳ هزار میلیارد ریال برسد، اما عملاً به جای ۱۶ درصد رشد، نقدینگی با رشد متوسط سالانه ۲۸ درصد، به ۶۸۵ هزار میلیارد ریال رسید. در این میان، نکته جالب این است که تورم نسبت به پیش‌بینی برنامه کمتر بوده و به جای ۱۵/۵ درصد به ۱۴ درصد رسیده است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل عمده کاهش تورم، افزایش واردات بوده است. عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران در تبیین یکی دیگر از عدم موفقیت‌های برنامه سوم توسعه، به حوزه بازار کار اشاره کرد و افزود: در برنامه سوم پیش‌بینی شده بود سالانه ۷۶۵ هزار شغل جدید ایجاد شود، اما عملاً ۵۸۰ هزار شغل در طول سال‌های برنامه (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) ایجاد شد. در نتیجه، نرخ بیکاری تنها تغییر اندکی را شاهد بود و از ۱۳/۱ درصد به ۱۲/۳ درصد رسید.

به اعتقاد رزاقی، روند افزایشی تعداد بیکاران علیرغم هزینه‌های هنگفت ارزی، نشان‌گر این است که جهت‌گیری واردات، مصرفی بوده نه تولیدی، چراکه اگر تولیدی بود، با توجه به ۱۶۰ میلیارد دلار واردات در این مدت و با احتساب هر ده هزار دلار برای ایجاد یک شغل، می‌باید ۱۶ میلیون شغل ایجاد می‌کردیم.

به گفته وی، در مورد صادرات غیرنفتی هم از برنامه عقب بوده‌ایم، زیرا ۳۴ میلیارد دلار پیش‌بینی برنامه بوده، اما تنها ۲۷ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی محقق شده است. به علاوه، اگر به این ۲۷ میلیارد دلار هم دقیق نگاه کنیم، خواهیم دید که بخشی از آن مربوط به تزریق درآمدهای نفتی است که به

مصرف‌کننده داخلی وارد کرده است.

رزاقی ادامه داد: نکته دیگر در بررسی برنامه سوم توسعه، در حاشیه قرار گرفتن درآمدهای مالیاتی دولت است. با نگاه دقیق به مالیات‌ها، متوجه می‌شویم که تقریباً یک سوم مالیات‌های کشور، مالیات غیرمستقیم است که از محل واردات کالاها اخذ می‌شود. اما واردات عموماً با استفاده از درآمدهای نفتی صورت می‌گیرد. حتی در بخش تولید هم اگر دقت کنیم، خواهیم دید که کارخانه‌ها و صنایع داخلی هم از محل درآمدهای نفتی ایجاد شده‌اند. به این ترتیب، وضع بسیار اسفباری در بخش درآمدهای مالیاتی خواهیم داشت. از سوی دیگر، مالیات‌ها که می‌بایست صددرصد هزینه‌های دولت را پوشش دهند تا درآمد نفتی به هزینه‌های توسعه کشور اختصاص پیدا کند، متأسفانه حداکثر با سهمی حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد، سهم قابل توجهی در اقتصاد کشورمان ندارند. در نتیجه یک بی‌عدالتی و شکاف عظیم طبقاتی بین کسانی که درآمدهای بالایی - مثلاً حدود ۳۳ درصد درآمد ملی - دارند و طبقات فقیر - که ۳ درصد درآمد ملی را به خود اختصاص می‌دهند - ایجاد خواهد شد.

دکتر رزاقی در پایان با اشاره به لزوم توجه بیش از پیش به صنعت به عنوان موتور محرک اقتصاد ایران، تأکید کرد: امروزه در جهان جنگی غیرنظامی در حال وقوع است، به نام جنگ تولید. به این ترتیب که در این جنگ، جهانی‌سازی وسیله‌ای برای نابودی تولیدات کشورهای در حال توسعه به عنوان ارتش متجاوز عمل می‌کند. اگر ما قدرتمند شویم، می‌توانیم در این جنگ بی‌رحمانه و نابرابر، سهم و پیروزی مناسبی به دست بیاوریم، در غیر این صورت تنها یک کشور خام فروش خواهیم بود که محکوم به فنا هستیم. در جنگ تولید که کل جهان را فرا گرفته است، تولیدکنندگان نقش فرماندهان نظامی را بازی می‌کنند. کارگران نیز سربازان و خریداران، نیروهای پشتیبانی‌کننده جنگ به حساب می‌آیند. اگر اهمیت پیروزی در این جنگ برای مسئولان، مردم و تولیدکنندگان کشور تبیین شود و عزم ملی لازم برای مواجهه با نیروهای متخاصم در داخل ایجاد شود، امکان موفقیت وجود خواهد داشت، وگرنه مغلوب خواهیم شد. همان‌طور که ۱۶۰ میلیارد دلار در ظرف ۵ سال خدمات و کالا به کشور وارد کردیم، اما چون جملگی به درآمد نفت متکی بوده‌اند، متأسفانه پایدار نبوده است.